

چرا اوضاع در حال بدتر شدن است؟

عبدالله هروی



خاموش و بدون درک واقعی و طرح از قبل تعیین شده وارد قضیه افغانستان گردیدند. آنان با داشتن معلومات غیر واقعی از ساختار اجتماعی و سیاسی کشور و تکیه بر مدارک غبرواقعی و اعتماد بر عناصر و گروه های خاص که به دلایل تاریخی و سیاسی در دسترس خارجی ها قرار داشته اند، تلاش ورزیدند که ساختار قدرت را در کشور چینش نمایند. نتیجه این چینش این شد که امروز شاهد آن هستیم. در هنگام خروج بخشی از نیروهای امریکایی از کشور رئیس جمهور امریکا طی بیانیه ای جنگ را در افغانستان موقتیت آمیز و پایان یافته اعلام داشت. حال آنکه این جنگ تا هنوز برای مردم افغانستان نه تنها موقتیت آمیز نبوده بلکه هم چنان بدون چشم انداز روش ادامه دارد. بنابر این در واقع انجام ماموریت نیروهای خارجی در کشور با ادعای مبارزه با تروریسم کاملا شکست خورده و ناموفق تلقی می گردد. از جانب دیگر تشکیل حکومت جدید که خود را حکومت وحدت ملی می خواند، اگر هر دست آوردی با خود تاکنون داشته است، اما از حیث مسائل ملی هیچ گونه دست آوردی نداشته است. هنوز کشور در حال جنگ ما وزیر جنگ ندارد. بسیاری از مقام ها و پست ها ناقصیم مانده است. منافع و مصلحت کشور هم چون بزم میدان بزم کشی میان دو رهبر سیاسی در حال کشمکش است. مسئولین بجای اینکه به فکر چاره باشند و عقل خود را بکار اندازند به فکر ایچاها محدودیت بوده و با اقدام ناسنجیده ناتوانی وضع عقلی خود را بیش از پیش به اثبات می رسانند. مثلا بجای این که بفرک تأمین امنیت و از بین بردن فقر و بیکاری باشند عقده مندانه تصمیم گرفته اند که با مسدود ساختن صدور پاسپورت بزعم خام خود جلو خروج و فرار افغان بدبخت را بگیرند و آنان را در این زندان کلان بدبختی محصور بدارند. که این مسئله در واقع بازار دلالان را تا بالاترین درجه سود رسانی گرم و داغ ساخته است. حقیقت این است که اوضاع روزبروز بدتر شده می رود؛ اما پرسش است که مسئولان حکومت در چه فکری هستند؟ پرسشی که جواب آن به مرگ و حیات مردم ما بستگی دارد.

مخالف و تروریست ها و... هستیم در زیرمجموعه چنین ارزیابی قرار میگیرند. البته در این ناکامی جامعه بین المللی نیز سهم خود را دارد. بر اساس قطعه نامه شورای امنیت ملل متحد که حضور نیروهای بین المللی در کشور توجیه شده است « از تمام کشور های عضو خواسته میشود تا در همکاری با یکدیگر بطور فوری عاملان و سازمان دهندگان این حملات را به میز محاکمه بکشاند و همچنان حامیان مالی از این حملات تروریستی، کسائیکه مسئول کمک، حمایت و یا پناه دادن به عاملان این حملات هستند پاسخگو باشند.» اما در عمل حداقلی از این قطعنامه اجرا گردید؟ دیدیم که آنان هم با حامیان تروریسم چگونه از شروه معاشات استفاده نمودند و هم با خود تروریست ها از در مصالحه و گفتگو برآمدند. این تغییر در موضع جامعه بین المللی حداقل این ذهنیت اداری برای تروریست ها روشن ساخت که جنگ شان پیرونده نبوده است. از جانب دیگر جامعه بین المللی متأسفانه همانطور که خود بدان اعتراف نموده است با چراغ

واقعی نیست که در چهارده سال گذشته فرصت خوب و استثنایی برای استقرار نظام سیاسی مردمی، تحقق بخشیدن ارزش های دموکراتیک، درپیش گرفتن روند عدالت و ترقی کشور، شکل گیری روحیه وفاق و همسویی ملی و ارائه تعریف روشن و قابل قبول برای همه شهروندان کشور از منافع ملی بوجود آمده بود. ولی امروز متأسفانه در شرایطی قرار گرفته ایم که درست چهارده سال قبل در آن قرار داشتیم. برای هیچ ملت و جامعه ای مصیبت برتر از این نیست که امید خود را نسبت به آینده از دست داده باشد. حال آنکه امروز مردم ما نسبت به آینده بسیار نگران و مضطرب به نظر می رسند.

در ریشه یابی این شرایطی می توان علل و عوامل مختلفی را بر شمرده. چگونگی ساختار دولت و قدرت، پندار و روحیه خاص که بر ذهن دولتمردان و ارگ نشینان وجود دارد یکی از عوامل اساسی این ناکامی می تداوم بحران در کشور دانسته می شود. زیرا فقدان یک اندیشه مدیریتی قوی و ملی، عدم تعهد در اجرای قانون و ناتوانی

در روزهای اخیر وضعیت امنیتی، سیاسی و اجتماعی بیش از حد تصور رو به وخامت نهاده است. جنگ در بسیاری از بخش های کشور به شدت جریان دارد. دامنی بر تمامی زندگی شهروندان سایه افکنده است. فقر و بیکاری در جامعه بیداد می کند. در تاکسی، در کنار هم باشنند سخن از فرار است. فرار از این جغرافیای که به جهنم انسان ها بدل شده است. همه سعی دارند که بگونه ای قانونی و غیرقانونی خود را از اینجا نجات دهند. حتا وزراء و مقام ها نیز با همه تظاهر به اطمینان خاطر بودن در اعماق قلب شان در دلهره و نگرانی جدی بسر می برند. این ها همه نشانه بدتر شدن اوضاع کشور است. حال باید پرسید که چرا افغانستان، پس از چهارده سال، با وجود برخورداری از حمایت های بین المللی و نیز استقبال داخلی، هم چنان در شرایط بحرانی بسر می برد و روند اوضاع امنیتی روبه وخامت نهاده است؟ مهم این است که این سوال تا چه اندازه بصورت جدی مطرح گردد و نیز جوابی که برای آن پیدا می شود واقع بیانه و مستولانه باشد. زیرا شاید تاکنون بارها و بارها چنین پرسش هایی در جاهای مختلف مطرح شده است؛ اما متأسفانه این پرسش جدی گرفته نشده است، یا اینکه مسئولان پاسخ های سطحی و بی اهمیت به آن داده اند. به همین دلیل نیز پاسخ آن نیز جدی و واقع بیانه نبوده بلکه سعی گردیده بگونه ای افکار عمومی و رسانه ها را در ارتباط با آن بطور موقت قانع سازند.

حفیظ الله زکی

مناسبات افغانستان و هند دارای پیشینه طولانی تاریخی بوده و این روابط همواره با حسن نیت و توأم با احترام متقابل و دو جانبه بوده است. افغانستان و هند از دیر باز تا کنون روابط تجاری خوبی داشته و افغانستان پیوسته از کمک های انسان دوستانه هند بهره مند بوده است. پس از تشکیل اداره مؤقت و انتقالی این کشور در عرصه های مختلف بازسازی افغانستان به خصوص در بخش های صحت، کشاورزی، تجارت، تعلیم و تربیت، ترانسپورت شهری و راه اندازی کورس های حرفه ای برای کارمندان دولتی، افغانستان را کمک کرده است. هند یکی از مهم ترین کشورهای منطقه است که بیشترین کمک را برای بازسازی افغانستان کرده است و سالانه صد ها پورسیه تحصیلی را در سطوح مختلف برای افغانستان اختصاص داده است. مردم افغانستان نسبت به سیاست های هند در کشور با دیده نیک می نگرند و از حسن نیت هند در برابر افغانستان اطمینان دارند. منافع هند در منطقه و بخصوص در افغانستان با امنیت، ثبات و پایداری نظام سیاسی در افغانستان تأمین می شود و از اینرو هند سیاست امن سازی بر محور یک حکومت مشروع و قدرتمند ملی را در این کشور تعقیب می کند. در این میان پاکستان از کشورهایی است که از گسترش مناسب افغانستان با هند خوشنود نیست و همواره نسبت به سیاست های هند در افغانستان با دیده شک و تردید نگاه کرده و حتا از حکومت افغانستان خواسته است که کنسولگری هند را در قندهار و جلال آباد تعطیل نماید. اگرچه آمریکا پس از ورود به افغانستان در سال ۲۰۰۱ برای با ثبات سازی مناسبات هند و پاکستان تلاش فراوانی نمود و سعی کرد نگرانی پاکستان را از جانب هند به حداقل برساند. اما به نظر می رسد که این تلاش ها دستاورد چندانی نداشته و پاکستان همچنان سیاست های هند را در افغانستان با نگرانی های زیاد دنبال می کند. شکی نیست که افغانستان همانطوری که برای سایر کشورهای منطقه جایز اهمیت بوده، برای هند و پاکستان نیز از اهمیت استراتژیک برخوردار بوده است و بخشی از عوامل اثر گذار بر ادامه خوشنودهای که از بیشتر از سه دهه گریبانگیر افغانستان است، ناشی از اختلافات میان هند و پاکستان است. پس از روی کار آمدن حکومت جدید در افغانستان رویکرد حکومت وحدت ملی نسبت به مناسبات هند و پاکستان تا حدودی روزه را به سود پاکستان تغییر داده است. رویکردی که با انتقادات جدی در عرصه داخلی مواجه گردید. پس از حملات پی در پی انتحاری در کابل، پکبار دیگر مناسبات افغانستان و پاکستان به تیرگی گرایید و مقامات افغانستان به صراحت آن کشور را به حمایت از گروه های تروریستی متهم ساخت. هند گر چند از سیاست جدید حکومت راضی به نظر نمی رسد، اما تا حدودی ناگزیری هایی را که افغانستان با آن روبرو می باشد، درک می کند. با این حال فضای نسبتا سردی که در مناسبات هند و افغانستان حکم می یابد، نشان می دهد که مقامات هند نسبت به پایداری سیاست خارجی افغانستان در رابطه با هند خوشبین نیستند. با این حال هند هنوز افغانستان را یک همکار استراتژیک خود در ثبات منطقه می داند و به نظر می رسد که در آینده تلاش خواهد کرد، تا تسلط پاکستان بر مسایل داخلی و سیاست خارجی افغانستان را کاهش دهد. زیرا هند به خوبی آگاه است که دخالت های پاکستان در افغانستان ممکن است سبب رشد افراط گرایی و شکل گیری شبه نظامیان در مناطقی از کشمیر گردد. مناطقی که به شدت برای امنیت هند مهم پنداشته می شود. اما دولت افغانستان نباید خود را درگیر تقاضاها و کشمکش های موجود میان هند و پاکستان گرداند. افغانستان بایستی در چارچوب منافع ملی، راهبردهای خارجی خود را در ارتباط با دو کشور هند و پاکستان عیار سازد. افغانستان در عین حال باید از دخالت های هر دو کشور در امورات یکدیگر با استفاده از خاک افغانستان اطمینان دهد. رابطه ما با هند در شرایط فعلی حیاتی است که نباید به خاطر سیاست های مقطعی و احساسی ضربه ببیند. همچنان که گسترش روابط ما با پاکستان بر اساس اصل احترام متقابل و منافع دو جانبه یک ضرورت انکار ناپذیر به شمار می آید.

سر نوشت ما چگونه رقم خواهد خورد؟

علی قادری



در افغانستان آغاز گردد. تاگفته نباید گذاشت که بستر رشد اجتماعی تنها در سطح قوم پشتون مطرح نیست. بلکه در سطح تمام گروه های اجتماعی مطرح می باشد. سفر جنرال دوستم به شمال و دست گیری ازبک های که در چارچوب گروه طالبان فعالیت می کرد بیانگر این است که بستر اجتماعی رشد بنیادگرایی در میان تمام گروه های اجتماعی فراهم است. از این جهت، مبارزه فرهنگی با دهشت افکنی باید در میان تمام گروه های اجتماعی صورت گیرد. این مبارزه فرهنگی باید به منظور تغییر ذهنیت مردم صورت گیرد. بنابر این، ادامه وضعیت و یا تقویت نهاد های دولتی و تضعیف گروه های دهشت افکن به چند عامل بستگی دارد. خواست نخبگان سیاسی و بازی نخبگان بر معیار منافع ملی، نوع همکاری جامعه جهانی با حکومت افغانستان و توانایی نخبگان سیاسی از روابط با جامعه جهانی در چارچوب پیمان های امضا شده، تعامل و روابط با کشورهای منطقه در راستای های مختلف از جمله همکاری امنیتی، اقتصادی، سیاسی و ... و در نهایت از بین بردن بستر اجتماعی رشد افراطی در افغانستان. این عوامل ما در حفظ حکومت و تقویت نهاد های حکومتی و در نهایت تضعیف گروه های افراطی کمک می کند. امیدوارم که نخبگان سیاسی با درک اهمیت این عوامل برای سرنوشت کشور و آینده این مرز و بوم کاری در خور انجام دهد.

در آغاز شکل گیری حکومت وحدت ملی چین، پاکستان سفر نموده او به منظور بررسی صلح با گروه طالبان بود. با گذشت نزدیک به یک سال ثابت شد که صلح با گروه طالبان ممکن و عملی نیست. از این جهت، می توان گفت که اشرف غنی تا هنوز نوع تعامل و معیار های روابط با کشورهای منطقه را درک نکرده است. بنابر این، برای حفظ حکومت مرکزی نیازمند تعامل عقلانی و در راستای دست یابی به منافع ملی می باشیم. چهارم زمینه های اجتماعی رشد افراط گرایی در افغانستان و نوع مبارزه با این پدیده است. واقعیت این است که جامعه افغانستان بستر مناسب اجتماعی برای رشد بنیادگرایی در هر قالب دارد. گروه طالبان به عنوان یک گروه بنیادگرا در افراطیست تنها به قدرت سخت افزاری نیازمند نیست. بیش از همه لازم است که حکومت و تقویت نهاد های حکومتی و در نهایت تضعیف گروه های افراطی کمک سراسر افغانستان فعال نگه داریم. بودجه وزارت معارف را با ایجاد مکاتب خبیلی و دانش آموزان خیالی به جیب خود نریم. باید مبارزه دوسویه با دهشت افکنی

پیمان استراتژیک امضا نموده است. اگر همکاری ها در چارچوب این پیمان صورت گیرد، به احتمال زیاد، حکومت افغانستان بتواند حاکمیت خود را بر بخش از خاک افغانستان حفظ کند و به صورت، ضعیف به حاکمیت خود ادامه دهد. با این حال، این مسئله نیز به درایت نخبگان سیاسی افغانستان بر می گردد. که از ظرفیت که توسط پیمان ها ایجاد شده است، چگونه استفاده می کند. با توجه به اینکه نیرو های بین المللی افغانستان را ترک می کنند، نخبگان سیاسی کشور با توجه به ظرفیت های که در پیمان های امضا شده وجود دارد باید وارد گفتگو و مذاکره شد. بدون همکاری اقتصادی، نظامی جامعه بین المللی حکومت افغانستان قادر به حفظ وضعیت و حاکمیت خود نیست. عامل سوم نوع تعامل حکومت افغانستان با کشورهای منطقه است. افراط گرایی یک پدیده منطقه ای و فرامنطقه ای است. محار این پدیده و مبارزه با این پدیده نیازمند همکاری منطقه ای است. در سیزده سال گذشته، افغانستان با حمایت مالی که از سوی جامعه جهانی می شد کمتر به مسئله تعامل با کشور های منطقه پرداخت. هیچ گاه روابط افغانستان با پاکستان، ایران، روسیه، چین، کشور های آسیایی میانه، هند و ... به صورت جدی مورد بررسی قرار نگرفت. اشرف غنی، رئیس جمهور اگر چه سودمندی روابط و همکاری افغانستان با کشور های منطقه را درک می نماید اما تا هنوز گام های اساسی در این راستا برداشته است.

در آخرین روز های حکومت حامد کرزی، رئیس جمهور قبلی افغانستان اوضاع امنیتی رو به وخامت گذاشت. انتظار و امیدواری مردم این بود که با گذشت انتخابات و شکل گیری حکومت جدید وضعیت امنیتی و اقتصادی بهبود یابد. اما انتظار برآورده نشد. شکل گیری حکومت به درازا کشید. به درازا کشیدن شکل گیری حکومت جدید بیش از همه ضربه مهلک و سنگین بر پیکر نیمه جان اقتصاد افغانستان وارد نمود. سرمایه های زیادی از کشور خارج شد. با موازات آن اما، اوضاع امنیتی نیز بدتر شد. حملات گروه طالبان در ولایات مختلف افغانستان شدید شد. گروه جدید به نام داعش ظهور نمود و نیروی گیری کرد. با این حال، تنها امیدواری مردم به نیرو های خارجی بود. اکنون به نظر می رسد که نیرو های خارجی افغانستان را در پایان جاری میلادی ترک می کنند. خروج نیرو های بین المللی از افغانستان در وضعیت کنونی به معنی بسته شدن تمام روزه امید مردم افغانستان است. حال باید پرسید که

کارتون روز قبيله و قوم بازی سياسي خود را عيار نموده است. به عبارت ديگر، سازوکار قبيله مهمترين و اساسي ترين چارچوب رفتاري نخبگان سياسي ما بوده است. در هيچ دوره تاريخي منافع و مصالح ملي براي رهبران ما مسئله و اولويت نداشته است. بازی با معيار قبيله نه تنها منجر به تحول و دگرگونی سياسي، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشده است بلکه تنش ها و منازعه را میان گروه های اجتماعی تشدید نموده است. جدال ها در تاریخ سیاسی کشور تنها در چارچوب سازوکار قبيله و قوم گرایی قابل تحلیل و فهم است. بنابراین، در وضعیت کنونی در سال های آینده آنچه سرنوشت حکومت مرکزی و وضعیت افغانستان را مشخص می کند بستگی تام و تمام به نوع و مقیاس های بازی نخبگان سیاسی دارد. اگر بازی نخبگان سیاسی در سطح قوم و قبيله فروگذاشته شود، بدون شک، حکومت مرکزی سقوط خواهد کرد و گروه های دهشت افکن قدرت سیاسی را به دست خواهد گرفت.



روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: مهدی صالحی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهارم، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان
The Daily Afghanistan
Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent English